

حل المسائل علوم و فنون ادبی

پایه ۶ انسانی

از ابتدای انتها کتاب

کانال گام به گام درسی :

@GamBeGam-Darsi

با تشکر از کروه رشد آزمای علوم و فنون ادبی برای

تهییه و تنظیم این فایل

توجه : کانال گام به گام درسی در سایر

پیام رسانی همچوئه فعالیتی ندارد

«به نام آفریدگار والا»

دییران و دانشآموزان محترم،

لطفاً پیش از مراجعت به پاسخنامه، راهنمای زیر را مطالعه نمایید:

- ۱- برای رعایت اختصار، از درج صورت خودارزیابی‌های کتاب درسی، خودداری شده است.
- ۲- برخی توضیحات ضروری در پاورقی ذکر شده‌اند.
- ۳- در بخش عروض نشانه * به معنای وجود اختیارات شاعری است.
- ۴- ممکن است در پاسخ‌های مربوط به قلمروهای سه‌گانه، تفاوت‌ها یا اختلاف‌نظرهایی با کتاب‌های موجود دیگر یا نظرات دییران محترم، وجود داشته باشد که همه آن‌ها بی‌شك فرست‌های بسیار مناسبی برای بحث و تبادل نظر یا مقایسه دیدگاه‌های گوناگون با یکدیگر خواهد بود.
- ۵- در صورتی که تمایل دارید کتاب‌های کمک‌آموزشی رشدآزمای خود تهییه کنید، با ما تماس بگیرید.
- ۶- حتماً نظرات تکمیلی و اصلاحی، پیشنهادها یا انتقادهای خود را نیز با در میان بگذارید؛ راه‌های برقراری ارتباط با ما:

درس بیکم

۱- هرچیزی که ذهن را به پویایی درآورد، متن است. وقتی از متن سخن می‌گوییم، منظور ما فقط نوشه‌های روی کاغذ نیست و انواعی دارند؛ از جمله: شنیداری؛ صدای آشنا، صدای رعد و برق، صدای رادیو، صدای گریه، خنده، .. / پویایی: بُوی غذا، بُوی عطری که در یک اتاق می‌آید، بُوی خاک آب‌خورده، ... / دیداری: باغ گل، فیلم، پرواز دسته‌جمعی پوندگان در آسمان، ... / خوانداری: شعر، قصه، داستان، گزارش یا خبر یا هر متن نوشتاری که در قالب کلمات درآمده باشد و بتوان آن را خواند.

۲- ادب و ادبیات عموماً به جای یکدیگر به کار می‌روند. واژه ادب از گذشته تاکنون تحولات معنایی زیادی داشته‌است. نزد پیشینیان، به معنای شناختن امور و مسائلی است که انسان به وسیله آن‌ها خود را از ارتکاب به اشتباه حفظ می‌کند. سپس معنای آن تغییر کرد و تبدیل شد به دانش‌هایی که فرد را از خطأ در سخن گفتن مصنوع می‌داشت. ادب، در دوره‌های اخیر و از عصر مشروطه به بعد تبدیل به اصطلاح ادبیات شد و در معانی جدید به کار رفت:
 (الف) مجموعه نوشه‌های، اصطلاحات و رفتارهایی که خاص یک رشته علمی است؛ مثل ادبیات پژوهشی، ادبیات سیاست، ادبیات مهندسی، ... / (ب) همه آثار مکتوب یک فرهنگ یا تمدن / (ج) نوشه‌هایی که باورها، اندیشه‌ها و خیال‌ها را در عالی‌ترین صورت خود بیان می‌کند و هنری، زیبا و خیال‌انگیز هم هست و ما به آن‌ها اصطلاحاً آثار ادبی می‌گوییم.

-۳



۴- بله، زیرا نویسنده سعی کرده است با زیبا کردن کلام خود و بهره‌گیری از آرایه‌های گوناگون، کلام خود را درباره فرارسیدن فصل بهار، زیباتر کند و احساسات خود را نسبت به این فصل و زیبایی‌هایش بازگو و به خواننده منتقل کند. همچنین در قالب چنین جملاتی، فرارسیدن بهار را به شیوه‌ای تأثیرگذارتر به مخاطب خبر می‌دهد.

۵- هدف عبارت «الف» ارتباط و پیامرسانی است و متن کارکردی زبانی دارد، زیرا با زبانی رسا، بدون ابهام و پیچیدگی و بهروشنی درباره ماه که یکی از منظومه‌های شمسی است، اطلاعاتی به خواننده می‌دهد؛ در حالی که در عبارت ب، زیبایی‌های شب و طلوع خورشید با زبانی ادبی توصیف شده‌اند؛ زبانی که در عین سادگی، با واژه‌ها و حروف بازی کرده، موسیقی ایجاد کرده است و حتی در پایان نویسنده خود اقرار می‌کند که توصل جستن به زبان و کار علمی برای توصیف گل، از زیبایی‌هایش کم می‌کند و برای درک گل، باید آن را حس کرد و این به معنای ادبیات است.

درس دوم

- ۱- این است که متن، از سه دیدگاه زبان، ادبیات و فکر بررسی شود.
- ۲- تحلیل در قلمرو زبانی - سطح واژگانی: واژگان متن بی‌ابهام؛ غیرادبی و علمی‌اند در متن، ترکیبی از واژگان فارسی و عربی وجود دارد / واژه‌های افسانه و قصه در روابط معنایی، متراffد محسوب می‌شوند. / اساطیر جمع مکسر اسطوره است و اقوام جمع قوم است. / واژگان تاریخی، قصه‌ای، نامعلوم، آفرینش، جنگ‌ها، نبردها، دینی، خدایان، قهرمانان و ایوانی وندی هستند؛ واژه سرگذشت مرکب و باقی واژه‌ها نیز ساده هستند.
- ۳- متن از پنج جمله تشکیل شده که دو جمله نخست یک جمله مرکب ساخته‌اند و باقی جملات ساده هستند. / همه جمله‌ها خبری‌اند. / نهاد جمله نخست، اسطوره، و در جملات دیگر، اساطیر و گروه عطفی زال، اسکندر، سیمیرغ و ... است. / جمله‌های نخست، چهارم و پنجم سه‌جزئی استادی (نهاد+مسنده) هستند.
- ۴- قالب شعر مسمط است، پس مصراح‌های نخست تا پنجم در رشتة اول، قافیه و ردیف مشترک دارند: کلمه است ردیف، و خزان، وزان، رزان، رنگ رزان و گزان نیز واژه‌های قافیه هستند. با توجه به مسمط بودن قالب شعر، واژه‌های گلزار و سمن‌زار که بند مسمط هستند نیز، با یکدیگر هم قافیه‌اند. / دو بیت دیگر نیز از رشته‌های مختلف این مسمط منوچهری اختیاب شده‌اند که در متن کتاب، کامل نیامده‌است. / در دو بیت نخست، شاعر با تکرار واج‌های خ-ز- ر-واج آرایی ایجاد و موسیقی شعر را غنی‌تر کرد هاست. واژه‌های وزان و رزان علاوه بر اینکه در جایگاه قافیه قرار گرفته‌اند، جناس تشکیل داده‌اند. (با انواع آن در درس‌های آینده آشنا خواهیدشد).
- ۵- در ترکیب‌های فلک نقاش، دست به کار نشده، رنگ می‌ریزد و سر به هم آوردن درختان و اسوار شب تشخیص وجود دارد. / آفتاب مثل تشتی از طلا، بوم آسمان، زمین مانند روپوشی از مخلع سبز تشبیهات این بند هستند. / طلایی کردن، رنگ ریختن و سر به هم آوردن نیز کنایه‌های آن هستند.
- ۶- بخش‌های مختلف این متن، به ترتیب، تداعی کننده تعاریف و توضیحات قلمروهای سه‌گانه هستند؛ سطر اول: قلمرو زبانی؛ سطرهای دوم و سوم قلمرو ادبی؛ و سطرهای سوم و چهارم قلمرو فکری.
- ۷- این شعر از سه راب سپهری، شعری عینی و طبیعت‌گرای است و با بهره‌گیری از عناصر طبیعت به بیان اندیشه خود پرداخته است. او با نگاه و اندیشه‌ای که از عشق تأثیر گرفته، مخاطب را به مهربان بودن با محیط، طبیعت، پرندگان و دیگر جانداران دعوت می‌کند. شاعر همه را همچون خودش، موجوداتی دارای حق حیات می‌داند؛ همچنان که ممکن است سیره‌ای در آن بر خود را بشوید، یا پایین‌تر کوتولی آب بخورد، فردی اندوهگین با آن دردودل کند یا فردی تشنگ کوزه‌اش را پر کند. یک نگاه عارفانه می‌تواند تمام هستی را زیبا ببیند و سپهری این نگاه زیبا را به دنیا و پدیده‌های آن دارد.

درس سوم

- ۱- با توجه به اینکه نوع ادبی متن، تعلیمی است و گوینده ابیات، یک نهنگ است که با فرزند خود سخن می‌گوید، باید لحن ناصحانه یک بزرگ‌تر نسبت به کوچک‌تر در خواندن شعر حفظ شود و بی‌گستالت، آرام، با طلائینه و مقترن‌انه خوانده شود.
- ۲- شعر، غنایی‌ست و بیان کننده شادی و شعف عاشق در تجدید دیدار است. وزن شعر نیز تند و ضربی است؛ پس باید آن را با شور و وجود خواند، درنگ‌های کوتاه در میانه کلمات داشت و صوت‌های بلند شعر را با کشش بیشتری ادا کرد؛ در عین حال باید لحن و فضای عاطفی شعر هنگام خواندن حس شود.
- ۳- کنایات: خردای (از مال دنیا): کنایه از مال کم دنیا / سنجیده گفتار: کنایه از کسی که به موقع و حساب شده سخن می‌گوید. / روسفید: کنایه از موفق، سریاند / فلک: کنایه از تقدیر و سرنوشت / تشبیهات: لبی خندان تر از گل / خاطری چون توگل / جبهه و اکردهای چون گل / بند گرانی از تأمل / تشخیص‌ها: دانه... تحمل بایدش / قطره آبی که دارد... / مثل: دانه چون در آسیا افتاد، تحمل بایدش / مراجعات نظیر: قطره آب- ابر- دریا / گلشن و گل

درس چهارم

۱- الف) جملات متن کوتاه است. / در آن انواع جملات خبری، پرسشی و عاطفی وجود دارد. / در آن نشانه‌های تاریخی زبان فارسی وجود دارد؛ پنداشتی (پنداشت)، اندر روز؛ در روی، ... ب) خواب‌گزار سوم از شیوه بیانی متفاوت برای تعبیر خواب خلیفه استفاده کرده‌بود (اصل بالاغت در سخن را رعایت و سخن را به مقتضای حال بیان کرده‌بود، در حالی که نتیجه تعبیر مانند دو نظر دو خواب‌گزار دیگر بود؛ این ذکاوت و دقّت در نحوه بیان برای خلیفه خوشایند و جالب‌توجه بود، به همین دلیل خواب‌گزار سوم را تشویق کرد.

۲- قلمرو ادبی: به کارگیری تضاد؛ ادب و بی‌ادبی (در سطح بدیع معنوی) / کاربرد کنایه: لگد کم خورده‌است، کنایه از تربیت نشده‌است. / آب و گل؛ مجاز از وجود خاکی و جسم انسان / قلمرو فکری: گفته فرد بی‌ادب می‌تواند دو معنا در برداشت‌باشد: سر باز زدن از قبول اشتباه، اعتقاد به تقدیر و جبر؛ و گفته بهلول هم به طنز، نشانه تبیینی، حاضر جوابی، و صراحت لهجه اوست. / نکته کلیدی و مهم متن نیز نشان دادن تأثیر تربیت بر روابط اجتماعی است.

کارگاه تحلیل فصل

-۱

موضوع	شرح و توضیح
نوع لحن	از ابتداء لحن روایی- داستانی است و در چهار بیت پایانی تعلیمی- آندرزی.
قلمرو زبانی	در حوزه روابط معنایی واژگان بارگاه و کاخ متراffند. بهر در معنی برای / در خورده: لایق، شایسته/ به خلاف قواعد زبان فارسی در دو مورد نشانه مفعول حذف شده است: چون به پایان برد کار آن سرا (را) سام خود (را) تا عرش می‌افراشتم / زبان شعر ساده و قابل فهم است. / کاه‌گاه در ابیات جایه‌جایی اجزای جمله دیده‌می‌شود. / ساخت فعل توانی زیستن تاریخی است: امروزه به‌جای جزء دوم که مصدر کامل است، فعل مضارع التزامی به کارمی‌رود: چون توانی رفت: چنگونه می‌توانی بروی... را در مصraع «عارفان را خانه‌آل...» نشانه مالکیت است.
قلمرو ادبی	شعر مثنوی است و هر بیت آن قافية جداگانه‌ای دارد. سه بیت مردّ است و ردیف‌های آن عبارتند از: نیست، ساختمن و سست / شعر تقریباً از آرایه‌های بیانی خالی است و تنها در موارد معدودی از تشبیه استفاده شده است: همچو پروانه به گرد روش شمع- یار یکدل کیمیاست... / رفیق و آشنا در حوزه بدیع معنوی، تابع معنایی تشکیل داده است. / یکدل کنایه از صمیمی/ قفس کنایه از خاله بسیار تنگ و کوچک/ ...
قلمرو فکری	اندیشمند و صاحب‌نظر واقعی دل به دنیای فانی نمی‌بندد و صفا و هم‌نشینی حقیقی را با دوستان خالص و یکدل که نایاب هم هستند، می‌جوید.
نتیجه‌گیری و نوع	این شعر در قالب مثنوی است و از جمله متون تعلیمی به شمار می‌آید. پیام شعر: خانه حقیقی بشر خاک (قبیر) است و هیچ چیز در دنیا ماندگار نیست.

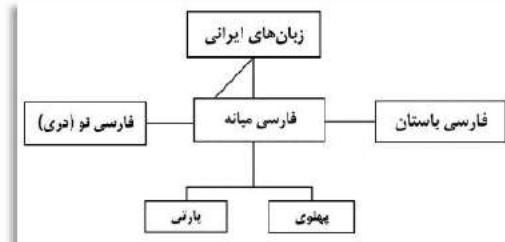
-۲

قلمرو فکری	قلمرو ادبی	قلمرو زبانی
متن رویکردی اخلاقی دارد و ذهنی است. / ناظر به مسائل جامعه‌شناسی و روان‌شناسی است. / با مسائل، برخورداری خردگرایانه دارد.	متن، مسجع است: روان و گردان، بری و خودی، پیگردانیدم و بستم، ... / واژگان قافیه در قطعه داخل نثر سروودی و رودی- پند، بند و داشتمند هستند.	بهره‌گیری از روابط معنایی واژگان: فسوق و فجرور (ترادف)، لهو و لعب (تناسب) / گرم و سرد (تضاد) / خرج و دخل (تضاد)
موضوع متن، تلاقي و برخورد دو نگرش متفاوت درباره زندگی است: در حال، زندگی کردن در برابر دوراندیش بودن.	تشبیه دخل به آب روان و عیش به آسیاب گردان / گرم کنایه از مؤثر و سرد و کنایه از غیرقابل تغییر است. / روی گردانیدن کنایه از منصرف شدن/...	متن (به عنوان نمونه‌ای از نثر مسجع و فنی) سرشار از واژگان عربی است. جملات کوتاه‌ند.
چون پارسازاده معتقد است باید در لحظه خوش بود و به توصیه راوی (سعدي) گوش نمی‌دهد و سعدی نیز معتقد است انسان همیشه باید آینده‌نگر باشد و مخارج خود را اداره کنده پس وظیفه خود می‌داند چون رانصیحت کند، اما در نهایت با دین سرسختی چون در اعتقاد خود، از این کار پیشمان می‌شود، زیرا نصیحت خیره‌سران فایده‌ای ندارد و چنین افرادی خود باید به نتیجه پرستند تا در رقتارشان تغییر حاصل شود، این تبیینی‌ها نشانه ذکاوت و آگاهی‌های روان‌شناسی سعدی در برخورد با مخاطب است.	بری و خوری افعال مضارع التزامی در معنای اخباری‌اند. در جملات حذف فعل وجود دارد: دخل، آب روان است و عیش آسیاب گردان (است) / را در معانی تاریخی: مسلم کسی را باشد (را گرم) و «آهن سرد» برای تفهیم مطلب، در حوزه روابط معنایی واژگان تأثیر کلام را بیشتر کرده است.	بهره‌گیری از خرب‌المثل در متن: اگر باران به کوهستان نبارد... / چو دخلت نیست... / تقابل مفاهیم متصاد «دم در معنی برای) پارسازاده‌ای را نعمت بی‌کران (ای فک اضافه) / درین در قطعه پایان بند، شبه‌جمله است و در شمارش جمله‌های جداگانه محسوب می‌شود. /...

درس پنجم

۱- منظور از زبان فارسی، زبان ایرانیان پیش از اسلام است که پارسی یا فارسی نامیده می‌شد. این زبان به همراه انشعاباتش که در ایران و مناطق هم‌جوارش متداول بوده، به اسم گروه زبان‌های ایرانی معروف است و به سه دسته باستان، میانه و نو تقسیم می‌شود. زبان فارسی باستان، زبان ایرانیان در دوره هخامنشیان است و آثاریه جای مانده از آن دوران فرمان‌ها و نامه‌های شاهان هخامنشی است که به خط میخی توشته شده است. دوم، زبان میانه است که خود به دو گروه پهلوی و پارتی تقسیم می‌شود و در دوره اشکانیان و ساسانیان رواج داشت. زبان فارسی نو (دری) نیز زبان ایرانیان، پس از ورود اسلام به ایران است که به علت تغییرات سیاسی- اجتماعی گسترده در چار تحولات بسیاری شد و تقریباً از دوره طاهریان شکل گرفت. این زبان، زبان محاوره و مکاتبات دولتی هم بود.

۲- زیرا زبان درباری دوره ساسانیان هم بود. ۳-



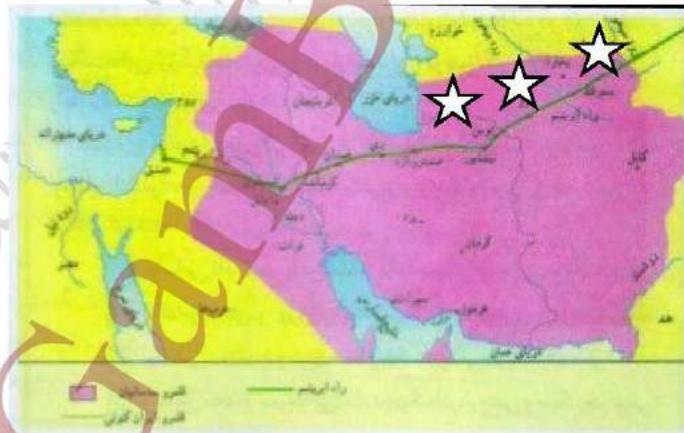
درس ششم

۱- روی کار آمدن دولت طاهریان و انتخاب زبان دری به عنوان زبان رسمی ایرانیان؛ تلاش‌های یعقوب لیث صفار در راستای ترویج زبان فارسی و ادامه راه طاهریان؛ روی کار آمدن و حمایت دولت‌های سامانی، آل بویه و حکومت‌های ایرانی نژاد دیگر نیز در گسترش زبان فارسی تأثیر داشت و فرصت شکوفایی در برابر زبان عربی را بدید آورد.

۲- شاهنامه ابومنصوری، ترجمه تفسیر طبری، تاریخ بلعمی؛ نگارش این کتاب‌ها به حفظ و گسترش تاریخ گذشته و باورهای ملی ایرانیان کمک کرد و از طرفی دیگر، نگارش این کتب نشان‌دهنده ویژگی‌های عمومی زبان فارسی در قرن چهارم است؛ ویژگی‌هایی از جمله سادگی و روانی زبان، بیان و فکر، و خالی بودن از اصطلاحات پیچیده علمی از مطالعه این متون به دست می‌آید.

۳- توجه به واقعیات بیرونی و حسی بهجای پرداختن به مفاهیم فلسفی، انتزاعی و کلی (فرخی سیستانی)، پرداختن به تعالیم اخلاقی به صورت کلی (شعر حکمی و اندرزی در اوخر این دوره و همزمان با روی کار آمدن سلجوقیان شکل گرفت)، پرداختن به موضوعات تاریخی، ملی و حمامی (شاهنامه فردوسی و گرشاسب‌نامه اسدی طوسی)، مدیحه‌سرایی (رودکی، عنصری، فرخی)، تعزیز و پرداختن به عشق زمینی (رودکی، شهید بلخی، رابعه بلخی)، داستان‌سرایی و قصه‌پردازی (ویس و رامین فخر الدین اسعد گرگانی)

-۴-



درس هفتم

- ۱- الف) بیت از یک قصیده است؛ کیوان واژه قافیه و بود ردیف (از نوع ساده) است. / تکرار واژه نحس برای تأکید/ در مصراع دوم تلمیح به باور پیشینان در تأثیر ستارگان و سیارات در سرنوشت انسان‌ها دارد و کیوان (زحل) نیز به شومی و نجومی معروف بود.
- ب) زبان آن ساده و ملاخمان جملات به دور از پیچیدگی است. / واژگان عربی کم دارد، کاربرد کیوان به جای زحل/ کاربرد شد در معنای رفت: شد آن زمانه که او شاعر... / کاربرد شکل تاریخی افعال: ندانستم به جای نمی‌دانستم (ماضی استمراری) / هر بیت تشکیل شده از جملات کوتاه است: مرا پسود و- فروریخت- هرچه دندان بود- نبود دندان- لا- بل چراغ تبلان بود
- ۲- مربوط به نثر دوره سلجوقی- غزنوی: نثر این دوره اطباب دارد و نمونه‌اش در نثر سفرنامه ناصرخسرو نیز با ذکر دقیق جزئیات دیده می‌شود. / افزایش محسوس واژگان عربی که در متن این سؤال نیز دیده می‌شود: سفر، سنّه، قدیم، حکایت، ززله، بعضی، خراب، ...
- ۳- کاربرد واژگان عربی طبری، رسول، خجل، در حالی که در دوره‌های پیشین به جای این واژگان، برابرهای خشمگین (خشمنگین)، فرستاده و شرمگن (شرمگین) به کار می‌رفت. (ویژگی زبانی) / یا توجه به اذکه از نثرهای بین‌بین است، نشانه‌های نثر دوره سامانی (کوتاهی جملات) در این عبارات دیده می‌شود. / در برخی موارد اجزای جمله نیز جایه‌جا شده‌اند: رسولی آمد از رم / موضوع نثر عینی و عملی است. (درباره مسلسل روزمره و رایج انسانی و دغدغه‌های رایج آن هاست.

درس هشتم

۱- زبان شعر تغییر یافت و از سادگی به پیچیدگی حرکت کرد. / قالب شعر فارسی از قصیده بیشتر به سمت غزل متمايل شد، موضوعات شعر فارسی به علت خروج شعر از دربار متتنوع شد، مدحه‌سرایی از رواج افتاد و توجه شعر ا به مضامین اخلاقی، عرفانی و تصوف افزایش یافت، کاربرد انواع آرایه‌ها در شعر این دوره افزایش می‌یابد.

بررسی مقایسه‌ای شعر سبک خراسانی (قرن‌های چهارم، پنجم و نیمه نخست قرن ششم)			
تفاوتها		شباهت‌ها	دوره‌ها
قلمرو فکری	قلمرو ادبی	قلمرو زبان	
روح نشاطا بر شعر علیه دارد. موضوعات شعری ازندک است. مشوق زمنی است. مدحه‌سرایی رایج است. شاعران خوشبینند.	آرایه‌ها اندک و تشبههای اغلب حسی هستند. قالب‌های عمده شعر قطعه‌هه و قصیده هستند و غزل از محبویت کثیری برخوردار است.	واژگان عربی کم کاربردند. واژه‌های اسلامی، حروف و صفات مجهود فارسی کاربرد دارد. ساختهای نحوی جملات قدیمی است؛ از جمله کاربرد دو حرف اضافه برای یک نمم	شعر دوره اول (ساهانی) کوتاهی جملات- سادگی زبان شعر- سروdon شعر در قالب مشتوفی- رواج میورث بهمن تلفظ واژگان فارسی- سادگی قافیه و ردیف در شعر، توجه به مشاهیم اندزایی- جایه‌چایی ارکان جمله در شعر (به ضرورت وزن و معنا)
شکایت از روزگار و بیان تاخرستنی‌ها در شعر است. موضوعات شعری متنوع است. عرفان و تصوف گشته شده باشد. مدحه‌سرایی از رواج می‌افتد. شاعران بدینند.	استفاده از آرایه‌ها بیشتر می‌شود. قالب غزل رواج می‌یابد.	کاربرد واژگان عربی افزایش می‌یابد. واژگان مجهود فارسی از رواج می‌افتد. متهم‌ها اغلب با یک حرف اضافه به کار می‌روند.	شعر دوره دوم (سلجوقي و غزنوي)

۳- دلیل نخست: گسترش عرفان و تصوف؛ دلیل دوم: شکل‌گیری دولت سلجوقی و بهره‌گیری از دبیران و نویسنده‌گان تربیت‌یافته در خراسان و عراق؛ چنان‌که کمتر نامه، منشور یا فرمانی به زبان عربی نگاشته‌می‌شد و به این ترتیب، مجموعه مشهوری از متون فارسی پدید آمد.

۴- فعالیت دانش‌آموزی. این فعالیت را یا توجه به اطلاعات زیر و مطابق با سلیقه خود انجام دهید:

شاعر و نویسنده‌گان معروف: ناصرخسرو، سنتی، نظامی، اوری، خاقانی، خواجه عبدالله انصاری، رسیدالدین مبیدی، نصرالله منشی
مراکز فرهنگی: خراسان و سیستان (شرق و جنوب شرقی ایران)، فارس و نواحی مرکزی ایران، هندستان و آسیای صغیر خارج از ایران

درس نهم

۱- الف) شعر در قالب مثنوی است و هر بیت قافیه‌ای جداگانه دارد. / قافیه‌هایی بیام مقصود استفاده کرده‌است. / بهره‌گیری از روابط و شبکه‌های معنایی واژگان: بد و نیک، ابرو و طاق و چشم و جفت/ زشت و نکو (نیکو) / بهره‌گیری از استعاره: دست عقل / کاربرد حسن تعلیل: نقش از مصلحت چنان آمد...

ب) کاربرد صورت قدیم تلفظ واژگان فارسی: کڑ/ کاربرد دو حرف اضافه برای یک متمم: شب و شبگیر، رو مر او را خوان/ کاربرد آمدن در معنای شدن: سخت نیک است، از او نیاید بد / ...

۲- در قلمرو زبانی: حذف فعل به قرینه: اورده‌اند که به فلاں شهر درختی بود و در زیر درخت سوراخ موش [بود]. / افزایش محسوس واژگان عربی در متن: صیادان، طلب، طممه، جانب، قصد، جهت، الغات، قرار، ... / کاربرد ساخت تاریخی فعل: آمدنی به جای می‌آمدند (ماضی استمراری) / کاربرد افعال با به نشانه تأکید: بماند، بترسید... / کاربرد فعل مضارع التزامی در معنای مضارع: اگر بازگردم، راسو در من اویزد (می‌اویزد، خواهد اویخت) / ... بهره‌گیری از تمثیل حیوانات در داستان برای بیان مفاهیم موردنظر / متن به دلیل بهره‌گیری از توصیف دارای اطناب شده‌است.

کارگاه تحلیل فعل

۱- نمونه نخست:

شعر از روکی و متعلق به دوره اول شعر فارسی در سبک خراسانی است. زبان شعر ساده و جملات بدون پیچیدگی است، اما نشانه‌های کهنگی زبان دیده‌می‌شود: آیده‌می، خنگ، میان (در معنای کمر)، زی به معنای زندگی کن (فعل امر است ولی بدون نشانه امر آمده است)، آموی به معنای آمودریا/ کاربرد او برای غیرجاندار

۲- نمونه دوم:

کاربرد واژگان مهجور زبان فارسی: تبیره‌زن، خیمگی/ کاربرد واژگان اصطلاحی و نکات علمی (مقابل بودن ماه و خورشید)/ کاربرد ساخت تاریخی افعال: همی‌بنند (کاربرد همی به جای می: می‌بنند)، بینم (فعل مضارع التراوی در معنای اخباری: می‌بینم) شدن در معنای رفتن: فروشد آفتاب از کوه بابل/ ساختار ساده و روان جملات...

۳- نمونه نخست:

آمیختگی نثر با عبارات عربی و استشهاد به آن. (این ویژگی بیشتر در متون نثر دوره دوم دیده‌می‌شود، ولی این بدان معنا نیست که نباید و نمی‌توان آن را در متون و قرون دیگر مشاهده کرد. یک ویژگی به شرط تکرار، ویژه‌یک دوره می‌شود و ویژگی استشهاد به آیات قرآن و تلمیح به آنان، جز در متون تفسیر و ترجمه قرآن در این عهد در متون دیگر دیده‌نمی‌شود). نثر از آرایه‌های ادبی خالی است و این بازترین ویژگی ادبی نثر دوره اول است.

۴- نمونه دوم:

از نمونه‌های داستانی دوره دوم نثر فارسی است. در میان نثر از شعر بهره گرفته که از ویژگی‌های بسیار رایج نثر این دوره است. (این ویژگی برای تنوع و تأثیر بیشتر کلام استفاده می‌شود). / جملات شیخ (ابوسعید) در حق آن دو فرد کنایه است به عاقبت ناصحنا و زندگی ناپسند نهایی آنان؛ اینکه بخت آنان در خدمت به ستم کاران و سیاچخته در نتیجه است. / در پا افتادن کنایه از عذرخواهی و التماس و تعظیم.

۵- نمونه سوم:

شروع متن آهنگین است: زیرکسار و بیداریخت (واژگان موزون‌اند). مشکور و مقبول (جمع متوازن)/ متن با توصیف و توضیح فراوان دارای اطناب است (مقامات مشکور و خدمات مقبول و ... ثبت کرده، روی به تقبل و تکلف (ذکر واژه دوم مصادق اطناب است، زیرا توضیحی بیشتر به شمار می‌آید)، در جمله به غرقاب فنا فرو رفت به جای «فنا شد»/ در متن آرایه‌های مختلف در حوزه بیان به کار رفته است: جراید روزگار (تشییه)، بیداریخت: کنایه از خوشبخت و سعادتمنده، پیرایه عفاف (استعاره)، غرقاب فنا (تشییه)، ...

۶- نمونه نخست:

متن از انواع حمامی است. / لحن غالب اثر حمامی و کوبنده و گاهگاه به تناسب موقعیت داستانی یا نیایشی است. در این بخش با لحن داستانی - روایی رویه رو هستیم. / متن عینی و طبیعت‌گرایست و با در برداشتن زمینه‌های اغراق آثار حمامی به توصیف یک باغ می‌پردازد. / خوش‌بینانه و طبیعتی گرایانه است و زمینه‌های میهنه دارد.

۷- نمونه دوم:

متن عینی است. / طبیعت‌گرایست. / به مسائل زمینی نظر دارد. / واقع گرایست و با توجه به این نکته زمینه‌های خردگرایانه نیز می‌تواند داشته باشد، ولی لزوماً به مسائل منطقی نهادخته است و صرفاً پدیده‌ای از هستی (پارش برف) را توصیف می‌کند.

۸- نمونه سوم:

شعر از نمونه‌های اواخر سبک خراسانی و مربوط به قرن ششم است. / محتوای مذهبی دارد. / در ستایش ممدوح او را از آسمان‌ها نیز برتر و متعالی تر می‌داند و برایش آرزوی عمری جاودان دارد. / می‌توان شعر را خوش‌بینانه، ذهنی و میهنه تلقی کرد.

درس دهم

- ۱- نمونه نخست: وزن شعر تند ولی کشش‌های آوابی آن بلند و کشیده است زیرا از مصوّت‌های بلند تریادی در آن استفاده و «ا» چند بار تکرار شده است. همین ویژگی خربناک شعر را کند کرده است. همچنین با به کار بردن قافیه در میانه مصراع اول (سابقان و ران) موسیقی شعر در کنار ردیف و قافیه کناری (پایانی) غنی‌تر شده است.
- ۲- نمونه دوم: خربناک شعر تند و هیجان‌آور است و خواننده را هنگام خوانش شعر به وجود می‌آورد. پاره‌های آوابی یکسان بی‌دری، تقارن مصراع‌ها را دقیق‌تر نمایان می‌کند.
- ۳- نمونه سوم: وزن تند و ضربی و کوینده است و هجاهای اغلب از ترکیب صامت و مصوّت‌های کوتاه پدید آمده‌اند که همین نکته باعث ضربی شدن وزن است.
- ۴- نمونه چهارم: وزن شعر تند، ضربی و شاد است. پاره‌های آوابی تشکیل‌دهنده شعر یک در میان تکرار می‌شوند. این تکرار در پایان هر نیمه مصراع رخ می‌دهد که باعث می‌شود ادراک حاصل از نظم هجاهای سریع‌تر صورت گیرد.
- ۵- نمونه پنجم: در این شعر، امیدوار و شاد است. این نشاط و امید از وزن تند شعر و واژگان مثبت به کار رفته در آن به خواننده منتقل می‌شود: نفس خرم، مرحبا، ...
- ۶- نمونه ششم: شعر بازگوکننده احساسات مذهبی شاعر و بیان غم و اندوه او از رخداد کربلا در سال ۶۱ هجری قمری است. (عاشروا) اندوه شاعر با کمک وزن کند و آهسته و پاره‌های آوابی ناهمسان در کنار یکدیگر، بیشتر نشان داده شده است.
- ۷- نمونه سوم: شاعر شاد است و این شادی با وزن واژگان به کار رفته در شعر کاملاً هویداست: اوج عواطف شاعر در شادی بازگشت معشوق را می‌توانیم در تصویرسازی‌های کلامی اش بینیم؛ او از مقاومت متضاد در کنار یکدیگر برای نشان دادن میزان شادی و سعادت خود در فرار سینه محیوب بیان می‌کند: کفرش همه ایمان شد، ملکی که پریشان شد، باز آن سلیمان شد، یاری که دلم خستی... غمخواره یاران شد... / او با بهره‌گیری از دایره واژگان مثبت که متعلق به مجالس شادی و بزم نیز هستند، حس شادی و هیجان خود را با خربناکی تند به خواننده منتقل می‌کند: به‌سامان، آن سلیمان، غمخواره یاران، شیوه شیرین، شکرستان، عید، عیدانه، ...
- ۸- نمونه چهارم: شاعر بی‌تاب و قرار معشوق است. دل تنگ اوست و فرستن می‌جوید تا با او سخن گوید.
- ۹- نمونه پنجم: با توجه به تعریف عاطفه (حال روحی- روانی ناشی از رویداد یک حادثه در شعر) فضای عاطفی در اشعار غنایی ملموس‌تر است تا در اشعار تعلیمی. در انواع تعلیمی با منطق و منش اخلاقی و فکری شاعر روبه‌رو هستیم. بسته به نهاد اخلاقی او، هیجاناتش نیز می‌تواند متفاوت باشد: در این شعر ناصرخسرو با حسی ناشی از دلسوزی و شفقت، مخاطب خود را نصیحت می‌کند و برای او دل می‌سوزاند: زو حذر بایدت کرد، دیگران را خیره دل چرا باید خلید، خوی نیک است ای برادر گنج نیکی را کلید، ...
- ۱۰- ششم: شعر بیان احساسات شخصی شاعر نسبت به دنیاست. از دنیا و رخدادهای ناخوشایند، خشمگین و گله‌مند و نالمید است: چه بدمهر و بدحو جهانی، سراسر فربینی، سراسر زیانی، و گر آزمایمت صد بار دیگر، همانی، همانی، همانی، ...

محتوى	صادر
ن، ش، ي، د، ك، خ، ب، ن، ب، ص، ح، ر، و، ن، د	(١٦)

نَ	دُ	ذَرْ	ذَرْ	بُرْ	بُرْ	نَ	هَا	كَيْ	تَ	سَّ	نَى	هِ
نَجِيجٌ *	بِ	زِي	-	نَا	-	هِ	مُ	نَا	بِ	زِي	نَى	هَا
-	بِ	-	-	-	هِ	هِ	هِ	-	بِ	-	-	هِ

نی	بی	ن	ج	رَنْ	نی	کا	ن	مُلْ	خِم	ت	ج	رَنْ	تا
شَد	با	ن	ر	دا	دی	پ	ح	صُب	وَد	رَد	ن	شَب	تا
-	-	ه	ه	-	-	ه	ه	-	-	ه	ه	-	-

* در شعر، هر هجای کشیده، معادل یک هجای بلند (-) و یک هجای کوتاه (u) محسوب می‌شود. در این پاسخ نیز، یک یا دو حرف باقی‌مانده پایان هجاهای کشیده، یک هجای کوتاه محسوب شده‌اند.

وَيْكٌ (wīk) نشانة صامت v: وادار (vādar) (دو) نشانة مصوت u: کاهو (kāhu) سه (dom) چهار (chedar) نشانة صامت w: دور (dawr/dawr) (دو) نشانة صامت u: کاهو (kāhu) سه (dom) چهار (chedar) نشانة صامت w: دور (dawr)

۵: **(dide)** نشانه صامت h: ماه (māh) (دو) نشانه مصوت e: دیده

درس دوازدهم

۱- بی‌حائل و صاحب‌دل واژه‌های قافیه هستند و الگوی هجایی آن مصوّت+ صامت است. ۲- بیت نخست: بر و سر، حروف مشترک: سر، بیت دوم: فشان (مشکف‌شان) و جوان، حروف قافیه: ان/ بیت سوم: هویدا و پیدا، حروف قافیه: ا (حروف هشتگ دیگر چزء حروف اصلی قافیه به شمارنمی‌آیند و شاعر در رعایت کردن آن‌ها ملزم نیست). ۳- بیت نخست: قاعدة یک، بیت دوم: قاعدة دو، بیت سوم: قاعدة یک/ ۴- بیت دوم، زیرا روان در هر بیت به معنای جداگانه‌ای په کاررفته و قافیه است نه ردیف. ۵- بیت نخست: دوقافیتین، بیت دوم: قافیه درونی، بیت سوم: قافیه درونی/ ۶- الف) من و توست، ب) میان، نامه‌رسان، ج: ان، قاعدة دو/ ۷- این شعر در قالب نوی نیمایی سروده شده، وزن دارد ولی طول مصraig‌ها برابر نیست، گاهی بسیار کوتاه است (عاشقتم بهار را) و گاه نیز طولانی تر می‌شود (من که تشنئه‌ام زلای سپیده را). به همین نسبت، جایگاه قافیه نیز در آن نام شخص است و از هیچ الگو و قاعدة خاصی پیروی نمی‌کند. قافیه‌های په کاررفته در شعر عبارتند از: جام و کلام و کام (المصraig‌های چهارم و هفتم و هشتم)، سپیده و ناشنیده (المصraig‌های یازدهم و سیزدهم)، گفتن و شکفتون (المصraig‌های پانزدهم و هجدهم)؛ در حالی که در شعر مهر و وفا که قالب آن غزل است، طول مصraig‌ها برابر و جایگاه قافیه‌ها در آن مشخص است. این شعر مردّ است (ردیف دارد) و قافیه‌های آن در پایان دو مصraig بیت نخست و مصraig‌های دوم ابیات دیگر آمده‌است.

درس سیزدهم

-۱- دانش آموزی / ۲

م رُو وَتْ نَ بَا شَدْ بَ رَفْ تَ دَ زَورْ دَنْ آَزْ بَيْ شَ مُورْ

۳- واژه‌های تک‌هجایی: خود: خُد، چون: چُن

دلوازان	محبت	خوبیشن‌شناصی	لانه	رهایی
دلوازان	محبیت (محبیت)	خیششینی‌شناصی	لان	رهایی
د ل ن و ا ز ان	د ل ن و ا ز ان	م خ ب ب ت	خ ن ش ش ن ا س	ر ا ه ا ب ي
بنفسه	بزرگراه	ر ه ر و	ر ه ر	ن ي ك و
بنفس	بزرگراه	ر ه ر و	ر ه ر	ن ي ك و
ش	ب ز ر گ ر ا ه	ر ه ر و	ر ه ر	ك و خ ا
مجموعه	پشتواهه	س ف ن ي	ال ت م ا س	م ال ا ت
مجموع	پشتوان	س ق ب ي	ال ت م ا س	م ال ا ت
ع	م ج و ن	ف ي س	س م ا س	ل ل ا ل
راهوار	کاشه	م د د ن	خ و ا س ت	ر و ز نه
راهوار	کاشت	م د د ن (م د د ن)	خ ا س ن	ر و ز ن
را	را	ع د	خ ا س	ر و ز ن

-۴-

دارآباد	شیرافکن	شب‌آهنج	جنگ‌اور	دل‌انگیز	سرآمد	عنوان
دارآباد (دارآباد)	شیرافکن (شیرافکن)	شب‌آهنج (شب‌آهنج)	جنگ‌اور (جنگ‌اور)	دل‌انگیز (دل‌انگیز)	سرآمد (سرآمد)	با همه
دارآباد	شیرافکن	شب‌آهنج	جنگ‌اور	دل‌انگیز	سرآمد	بی همه

-۵-

خط عروضی	تقطیع	علامت نگاری	بیت اول
بِشَنْ أَزْنِيْ چُنْ حَكَائِتْ مِيْ كُندْ	أَزْنِيْ بِشَنْ	نْ	
خَابِيْ خَيَالِيْ، مَهْرِيْ بِكُوْ، مَاهِيْ بِكُوْ، أَهْيِ بِكُوْ	كْ نْدْ	آَزْ	

خط عروضی	تقطیع	علامت نگاری	بیت دوم
بَا مَنْ بِكُوْ تَا كَارِيْ زَيْمَ كِيْ غُصْصِيْ سَرَايِدْ	بَا مَنْ بِكُوْ	بِكُوْ	
خَابِيْ خَيَالِيْ، مَهْرِيْ بِكُوْ، مَاهِيْ بِكُوْ، أَهْيِ بِكُوْ	كْ نْدْ	آَزْ	

خط عروضی	تقطیع	علامت نگاری	بیت سوم
بَرْ سَرْ آَنِمْ كِيْ گَرْ زَ دَسْتْ بَرَايِدْ	بَرْ سَرْ آَنِمْ	آَنِمْ	
دَسْتْ بَ كَارِيْ زَيْمَ كِيْ غُصْصِيْ سَرَايِدْ	دَسْتْ بَ	زَيْمَ كِيْ	

۶- بیت اول: سه هجاء، بیت دوم: پنج هجاء

کارگاه تحلیل فصل

۱- نمونه نخست: همدردی و هم‌حسنه با مخاطب اندوهگین از مصائب دنیا و سفارش او به برداری و سهل گرفتن، نمونه دوم: منتقل کننده شادی و نشاط شاعر، نمونه سوم: امیدواری و شادی/ نمونه چهارم: حیرت شاعر از کار و تقدیر دنیا در خلق زیبایی‌ها و نایبود کردن آن‌ها/ نمونه پنجم: قدرت، اعتماد به نفس و روح دلاورانه و جنگجویانه، نمونه ششم: حس نصیحت‌گرانه، خیرخواهانه و از سر دلسوزی شاعر به مخاطب

۲- اشعار نمونه در این تمرین را می‌توان در پنج گروه وزنی طبقه‌بندی کرد. در هر گروه، چند واژه نخست ایات نوشته‌می‌شود:

گروه پنجم	گروه چهارم	گروه سوم	گروه دوم	گروه اول
شب تاریک و بیم موج... اگر آینه‌رویی در نظر... روان شد اشک یاقوتی...	آن کیست کز روی کرم... ای ساربان آهسته دان...	همی گویند و ... به نام خداوند ... یکی تشنه می‌گفت و ...	یاد ایامی... دوستان گویند ... کی شکیبایی توان کردن...	فلک جز عشق... نخستین باده...

۳- بیت نخست: سه: مصوت کوتاه+صامت، بیت دوم: سه: مصوت کوتاه+صامت، بیت سوم: سه: مصوت کوتاه+صامت، بیت چهارم: ام: مصوت بلند+صامت
۴-

را	ت	ن	ک	ن	من	ک	ت	دل	ز	ای	ت	رق	کی	تقطیع	بیت یکم
را	ت	ن	ک	ن	من	ک	ت	هفت	ای	ای	د	بو	کی	بلند+صامت	علامت‌نگاری
-	U	-	U	-	-	U	U	-	U	-	U	-	-	-	-

راست*	د	مو	بن	ت	ش	نق	آر	ن	ی	آ	تقطیع	بیت دوم
طاست*	خ	تن	کس	ش	ن	بع	آر	ک	ش	خ	علامت‌نگاری	بلند+صامت
-	U	-	-	U	U	-	-	U	U	-	-	-

تی	قا	س	دی	مُز	نی	ک	دی	کا	غَر	آ	تقطیع	بیت سوم
نی	ما	د	مُز	بی	قین	ی	دی	کا	بی	غَ	علامت‌نگاری	بلند+صامت
-	-	U	-	-	-	U	-	-	-	U	-	-

۵- بادآورده، پیام‌آور، کارآزموده، خوش‌اندام

درس چهاردهم

۱- بیت نخست: واج‌های ج- خ- ر؛ بیت دوم: واج س- ت- ن- آ، بیت سوم: واج آ- ن- ئ؛ بیت چهارم: واج و- ی- ت بیت پنجم: واج‌های س- آ- و- ر؛ بیت ششم: واج ل، بیت هفتم: واج‌های س- ت- ن، بیت هشتم: واج ن- ر- ئ- ۲- بیت نخست: امروز و فردا، بیت دوم: یاد و تو، بیت سوم: شما، بیت چهارم: گرفتار- گرفتاری- خوار- خواری، بیت پنجم: خار- پا، بیت ششم: عمر، بیت هفتم: پا- چوبین، بیت هشتم: ننگ- پرسی- نام، بیت نهم: پشیمانی و پشیمان، بیت دهم: مو و سر، بیت یازدهم: درد و درمان- است / ۳- تکلیف دانش آموزی

درس پانزدهم

-۱

شش	پنج	چهار	سه	دو	یک
آسمان و جهان (مطرب)	مهجور و رنجور (متوازی) جانم و دهانم (مطرّف)	نهفتی، پیمودنی، گفتی و نمودنی (مطرب)	زندگانیم، ایادانیم، شادانیم و ناخانیم (مطرب)	کوشیدن و جوشیدن (متوازی)	زندگانیم، ایادانیم، شادانیم و ناخانیم (مطرب)

۲- بله، زیرا واژگان زیستنده و درخورنده در پایان جمله به قرینه آمده‌اند و در حروف پایانی مشترک‌اند. / ۳- بردن و مردن، در وزن و حروف پایانی مشترک‌کند. / ۴- بدهد و بنهد / ۵-

شش	پنج	چهار	سه	دو	یک
آرد و دارد (متوازی) شاهی و ماهی (متوازی)	خبر و سپر (متوازی) دوختی و سوختی (متوازی)	بی‌شمار و بی‌حساب (متوازن) خار و خال (متوازن) متنی و کریم (متوازن)	زیبا و دیبا (متوازی)	غایت و نهایت (مطرب)	زیبا و دیبا (متوازی)

۶- نگیرد- پمیرد، مقسوم- معلوم، نرسد- برسد: متوازی نگیرد و آید: مطرب

درس شانزدهم

۱- همه ایات به جز بیت‌های اول و ششم، موازنه دارند. سجع‌های متقارن به ترتیب در هر بیت عبارتند از:
بیت دوم: ز گریز- ز تیغ، خورشید- بهرام، گریان- بریان، شود- شود
بیت سوم: جفا- وفا، پل- گل، بود- بود، عاشق- دشمن، شکستی- فشاندی
بیت چهارم: همه- همه، شوری- سحری، نشاطی- فسونی، همه- همه، عشقی- نازی، امیدی- خرامی
بیت پنجم: تیر- تیغ، جفای- بالای، او را- او را، جز- جز، دل- جان، هدف- سپر، نیاشد- نیاشد
بیت هفتم: پرواز- پرواز، به آنجا- به آنجا، نشاط- سروود، است- است، امید- سرور
بیت هشتم: نظر- نفس، تا کشی- تا کنی، عرض- حرف، نقل- چنگ، است- است، می- نی
* در هر بیت یا دو جمله، باید همه سجع‌ها دویه‌دو متوازن باشند تا آرایه ترجیح شکل گیرد؛ در صورتی که حتی یکی از قرینه‌های به کاررفته در بیت یا عبارت متوازن باشند، آرایه ایجادشده موازن است.

۲- تنها ایات پنجم و نهم ترجیح دارند؛ زیرا کلمات در هر دو مصraع به شکل زیر متقارن‌اند:^۱

- بیت پنجم: ما- م، ز بالایم- ز در بالیم، دریا- بالا، می رویم- می رویم
بیت نهم: برند- خورند، از برای- از برای، دلی- گلی، بارها- خارها
۳- بیت دوم، زیرا سجع‌های به کاررفته همگی متوازن‌اند. (متوازنی به علت هماهنگی در وزن و حروف پایانی هماهنگی موسیقایی بیشتری ایجاد می‌کنند)
۴- در بیت نخست، موازنه ایجاد شده، در بیت دوم قافیه درونی و در بیت سوم نیز موازن.

^۱. در ترجیح و موازنه نکر این نکته ضروری است که گاهی با چشیده از حروف الحاقی در پایان کلمات متقارن، سجع متوازن از بین رفته و متوازن ایجاد می‌شود. این نکته در نامگذاری قرینه ایجادشده در بیت مؤثر است؛ به عنوان مثال در بیت ششم از همین سؤال، با چشیده از الحاقی بودن کسره در پایان کلمات غنچه و دانه، می‌توان آرایه موجود در این بیت را ترجیح گرفت و در غیر این صورت موازنه. به همین صورت است در بسیاری ایات و عبارات مشابه.

درس هفدهم

شعر چهارم مهر و مهر؛ ناهمسان حرکتی	شعر سوم مور و سور؛ اختلافی	شعر دوم گور و گور؛ جناس همسان (تام)	شعر اول جدلی و خدایی؛ ناهمسان اختلافی
شعر هشتم خویش و خویش؛ جناس همسان (تام)	شعر هفتم روان و روان؛ جناس همسان	شعر ششم باز و باز؛ جناس همسان (تام)	شعر پنجم زُهره و زُهره؛ ناهمسان حرکتی
شعر دوازدهم جفا و قفا؛ ناهمسان اختلافی	شعر یازدهم دستان و دستان؛ جناس همسان	شعر دهم کلام و سلام؛ ناهمسان اختلافی	شعر نهم آرام و رام؛ ناهمسان افزایشی (در اول)
شعر شانزدهم زنم و منم؛ ناهمسان اختلافی	شعر پانزدهم شعر- شاعر، نظم- ناظم؛ اشتراقی- افزایشی	شعر چهاردهم دلیل و دلالت؛ ناهمسان اشتراقی	شعر سیزدهم یار و دیار؛ ناهمسان افزایشی

کارگاه تحلیل فصل

بیت یکم	تقطیع	علامت‌نگاری	چش	؟	دل	با	ز	کن	ک	جان	بی	نی
آن	دی	نا	ع	-	-	-	ذ	نی	ست	آن	بی	نی
-	-	-	U	-	U	-	-	-	-	-	-	-

بیت دوم	تقطیع	علامت‌نگاری	وی	شو	در	ت	ذر	دل	ها	وی	مُه	ر	ت	ذر	لب	ها	ه
دو	رو	شو	در	ت	ذر	ت	ذر	دل	ها	وی	سیر	ر	ت	ذر	جن	ها	ه
-	-	-	U	U	-	-	-	-	-	-	-	-	U	U	-	U	-

بیت سوم	تقطیع	علامت‌نگاری	آ	دی	نم	جا	فا	لا	من	اف	تا	و	لی	حا	آز	پا	چ	را
دو	و	آ	دی	نم	جا	فا	لا	من	اف	تا	و	لی	حا	آز	پا	چ	را	-
-	-	-	-	U	-	-	-	U	-	-	U	-	-	-	-	U	-	U

بیت چهارم	تقطیع	علامت‌نگاری	ب	ب	با	فر	ب	ب	و	لی	لا	چ	نیم*	نیم*	دا	ب	چ	را
دو	ب	ب	با	فر	ب	ب	ب	ب	و	لی	لا	چ	نیم*	نیم*	دا	ب	چ	را
-	-	-	U	-	-	-	U	-	-	U	-	-	-	-	U	-	U	-

۲- شعر نخست: تکرار گوشه، شعر دوم: تکرار افعال کشیدیم، بریدیم و پریدیم، شعر سوم: تکرار دل و داد و ما و بند که واج آرایی بسیار محسوسی نیز ایجاد کرده است، شعر چهارم: تکرار علم و عمل و واج آرایی ل، شعر پنجم: واج آرایی خ-۱- چراغ و داغ: مطرف، ۲-۳: عزیز و ذلیل: متوازن، علم و مال: متوازن، ۳-۴: رسیده و کشیده: متوازنی، ۴-۵: مرقع و مرضع: متوازنی، ۵-۶: شب خیز و پرهیز: متوازنی

۴- یاد و نام: سجع متوازن: نام: کام، پام، رام، دام، ...

۱-۵: خار و خاره: ناهمسان افزایشی، باره و خاره: ناهمسان اختلافی-۲-۵: پری و پری: همسان (تام)، ۳-۵: گبر و ببر: ناهمسان اختلافی، ۴-۵: فارغ و فراغت: ناهمسان استتفاقی، ۵-۵: حرم و حریم: استتفاقی و ناهمسان افزایشی، حریم و حرمت: استتفاقی، ۶-۵: نظر و منظر: استتفاقی - ناهمسان افزایشی، ۷-۵: شیرین و شیرین: همسان (تام)

نمره برتر



N O M R E B A R T A R . C O M

بزرگترین مرجع آموزشی و نمونه سوالات درسی تمامی مقاطع

جزوه های بیشتر (کلیک کنید) :

| گام به گام رایگان دهم | نمونه سوال دهم | جزوه آموزشی دهم |



جهت دانلود جدید ترین مطالب بر روی پایه خود روی لینک های زیر کلیک کنید.

ابتدایی

اول ✓ دوم ✓ سوم ✓ پنجم ✓ چهارم ✓ ششم ✓

متوسطه اول

✓ هفتم ✓ هشتم ✓ نهم

متوسطه دوم

✓ دهم ✓ یازدهم ✓ دوازدهم